

## مهدی، مسیح، ضد مسیح، عدالت و خشونت مقدس

جرارد آنتونی مک‌روی\*

ترجمه: سید محمد حسین سجادی

### چکیده

این نوشتار به موضوع موعود آخرالزمان که در بین مسلمانان از آن به عنوان مهدی و در مسیحیت به عنوان مسیح یاد می‌کنند، پرداخته است. نخست به مفهوم، شباهت‌ها و تفاوت‌های مهدی [عجله] در احادیث شیعه و سنی پرداخته و از نسب علوی به عنوان اصلی‌ترین ویژگی او در میان مسلمانان نام برده است. سپس به نبرد مقدس موعود آخرالزمانی که در راستای برپایی عدالت توسط مهدی [عجله] در مقابل دجال و یا مسیح در مقابل ضد مسیح روی خواهد داد، اشاره کرده است و عامل اصلی پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی [ره] را همین ویژگی عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی دانسته است. در ادامه ویژگی‌های دجال در بین مسلمانان (بر اساس احادیث شیعه و سنی) و ضد مسیح در کتب مقدس بیان شده است و با تأکید بر تفسیر صحیح از متن کتب مقدس و فهم صحیح از نقش مهدی [عجله]، خطر و تهدید موعود مسلمانان را برای مسیحیت بی‌اساس دانسته است.

### واژگان کلیدی

مهدی، مسیح، دجال، ضد مسیح، خشونت مقدس، ظهور، عدالت، ظلم.

## مقدمه

واژه «مهدی» دو تصویر را در بین غربیان تداعی می‌کند؛ تصویر اول به شخصیت سودانی که به مقابله با ژنرال گوردان برخاست و دومی به جیش‌المهدی (گروه شبه‌نظامی وابسته به مقتدا صدر) مربوط می‌شود. گفتنی است که هر دو تصویر به جهاد ضدغربی مربوط می‌شوند. افزون بر این، مورد یادشده اول به یک مدعی اهل سنت و مورد دوم به امام موعود دوازدهم شیعیان مربوط می‌شود. با این حال باید گفت که بیش‌تر مردم و بسیاری از سیاستمداران غربی نسبت به مفهوم مهدی در هر دو مذهب اسلامی تشییع و تسنن ناآگاهند. البته این مسئله در مورد مفهوم جامعه نگارنده (پروتستان‌های انجیلی) نیز درست است. بیش‌تر اوقات، این مطلب که شخص حضرت مسیح [عَلَيْهِ السَّلَام] در مباحث و رخدادهای آخرالزمانی اسلامی \_ شیعه و سنی \_ نقش کلیدی ایفا کند، برای اعضای این جامعه بسی شگفت است. نکته مرتبط با بحث ما این است که در این نوع آخرالزمان‌شناسی، حکومت مهدوی و مسیح یکی می‌شوند. افزون بر این، ماهیت این فعل و انفعالات، معطوف به مفاهیم عدالت و خشونت مقدس است.

من واژه عدالت را در درجه اول برای اشاره به مفهوم داوری و مکاشفات آخرالزمانی و درجه دوم \_ که با مفهوم اول رابطه متقابل دارد \_ برای اشاره به مفهوم آرمان شهر دینی به کار می‌برم. آرمان‌شهری که تحت‌تأثیر ظهور مهدی [عَلَيْهِ السَّلَام] (برای مسلمانان) و مسیح [عَلَيْهِ السَّلَام] (هم برای مسیحیان و هم مسلمانان) تحقق خواهد یافت. با توجه به مفهوم دوم، این واژه را به عنوان مترادف واژه متداول «جنگ مقدس» به کار خواهم برد. من قضاوت شخصی نمی‌کنم که بگویم خشونت همیشه و به‌طور واقعی، مقدس است؛ چون این قضاوتی است که خشونت‌ورزان این روزها به سادگی انجام می‌دهند و اظهار می‌دارند که خشونتشان با انگیزه دینی صورت می‌گیرد.

اگرچه مقالات مربوط به موضوع‌های دینی کم‌تر دارای اهمیت کاربردی هستند، اما این موضوع برای وضعیت کنونی بسیار مهم و حیاتی است. دیدگاه جبرگرایانه بعضی از مسیحیان صهیونیست که به سلطنت هزار ساله حضرت مسیح [عَلَيْهِ السَّلَام] معتقدند این است که مجموعه الاقصی در اورشلیم باید نابود شود تا مقدمه‌ای برای احداث معبد سوم باشد. آن‌ها این واقعه را گامی در آماده شدن برای بازگشت دوباره مسیح می‌دانند. فیلم «مقبره تحت معاصره» ساخته ایلان زیو \_ فیلم‌ساز اسرائیلی \_ که در سال 1985 زیر نظر مقامات اسرائیل ساخته شده است، به همین موضوع اشاره دارد. در این فیلم یک مستعمره‌نشین تندرو که بر ضد فلسطینی‌ها عملیات‌های تروریستی انجام می‌دهد، توسط این

گروه‌های مسیحی صهیونیست مسلح می‌شود تا مسجدالاقصی را منهدم کند. در این فیلم، رابطه بین بحث آخرالزمان و خشونت مقدس را می‌توانیم آشکارا مشاهده کنیم. طبق برخی از برداشت‌ها از اعتقادات مسیحیت، این موضوع به مسیح [ع] نیز ارتباط پیدا می‌کند.

در این جا من به عنوان یک مسیحی انجیلی، یک برداشت نامتعارف از منظر دیگران را مطرح می‌کنم: در آخرالزمان‌شناسی اسلامی، مهدی [ع] و مسیح [ع] هر دو در بنا کردن حکومت هزار ساله و جهاد علیه ضد مسیح و مکافات آخرالزمانی کافران نقش دارند. این مسئله به تنهایی دلیل مکفی برای مطالعه این موضوع است. اما مسئله دیگری که با شرایط سیاسی معاصر ارتباط دارد، این است که آیا هرگز حکومت شیعه اسلامی می‌تواند جهاد ابتدایی و تهاجمی را بدون دستور مهدی آغاز کند؟

## 1. مهدی [ع]

### الف) پیشینه مفهوم مهدی [ع]

مهدی [ع] به عنوان یک شخص به صورت آشکار در قرآن وجود ندارد، ولی در احادیث شیعه و سنی بحثی رایج است. این واقعیت که این موضوع در هر دو نوع حدیث مورد تأکید قرار گرفته است به احتمال زیاد نشان‌گر وجود انتظار وقوع آخرالزمانی از همان ابتداست و دلیل این انتظار و احتمال وقوع، بحران‌های اعتقادی، ولی بنیادی است که در پی وفات پیامبر و احتمالاً پس از شهادت امام علی [ع] آخرین خلیفه از خلفای اربعه راشدین از منظر اهل سنت و اولین امام شیعیان رخ داده‌اند. بی‌تردید وجود شخصیتی که احیاگر دین باشد مستلزم این است که فساد و انحرافی اتفاق افتاده باشد یا بیفتد. شکاف در امت اسلامی، نزاع‌های سلسله‌ای زمان امویان و عباسیان، وجود این باور در میان بیشتر مسلمانان که حکومت‌های موجود نامشروعند، انتظارات و توقعات آخرالزمانی را تقویت می‌کنند؛ انتظار فرستاده‌ای از آسمان‌ها که اسلام را به همان شکوه آغازین بازگرداند. این اوضاع در قرن‌های پس از آن نیز ادامه داشته و این روند، رو به فساد برده است، به‌ویژه پس از سقوط عثمانی‌ها در سال 1924 و پس از پیشرفت حریصانه فرهنگ غرب و سلطه سیاسی آن پس از جنگ جهانی اول، این فساد به اوج خود رسیده است. دیگر کم‌تر جای شگفتی است که انتظار یک احیای آخرالزمانی و رابطه آن با مهدی افزایش یافته باشد. امام خمینی [ع] این امتداد فساد را پس از شهادت امام علی [ع] تا زمان حال مشاهده نمود و به اثبات تئوری خود، یعنی ولایت فقیه پرداخت.

پس از رحلت پیامبر [اکرم ﷺ] دشمنان سرسخت ایمان (بنی‌امیه) اجازه ندادند اسلام با حکومت علی بن ابی‌طالب [علیه السلام] استحکام پیدا کند و روش حکومتی که مطابق اراده خداوند و پیامبرش است شکل گیرد. آن‌ها بنا و اساس کلی حکومتی را عوض کردند و سیاست‌های آن‌ها تا حد زیادی مخالف اسلام بود. شکل حکومت و سیاست‌گذاری بنی‌امیه و بنی‌عباس ضد اسلامی بود و بعد از انحراف شدید، تبدیل به سلطنت شده بود. این نوع غیر اسلامی حکومت تا کنون ادامه پیدا کرده است.<sup>۱</sup>

### ب) سلسله نسب علوی، محور اصلی احادیث مهدویت اهل سنت و تشیع

مفهوم اصلی واژه مهدی به معنای هدایت‌شده است و در اسلام این واژه و نام به کسی تعلق می‌گیرد که شخصیت و رفتار او بازتاب‌کننده سنت پیامبر باشد<sup>۲</sup>، بر خلاف استبداد و فساد که مشخصه اصلی حاکمان دنیای اسلام تا کنون بوده است. به‌طور خلاصه، این تصویر یک امیر ایده‌آل اسلامی، بازتاب شخصیت حضرت محمد [ﷺ] است. این حقیقت هم در حدیث شیعه و هم سنی ثابت شده که مهدی [ﷺ] از نسل حضرت محمد [ﷺ] است.

اهل سنت	تشیع
علی بن ابی‌طالب [علیه السلام] می‌فرماید: پیامبر [ﷺ] فرمود: «اگر یک روز از این دنیا باقی مانده باشد، خداوند در خاندان من مردی را برخواهد انگیزد...» ام المؤمنین ام‌سلمه می‌گوید: پیامبر [ﷺ] فرمود: «مهدی از خاندان من و از نوادگان فاطمه خواهد بود.»	عبدالله بن مسعود می‌گوید: از رسول خدا [ﷺ] شنیدم که می‌فرمود: «جهان به آخر نخواهد رسید تا این که مردی از خاندان من به نام مهدی ظهور کند و بر امت من حکومت نماید.» ام‌سلمه نقل کرد که پیامبر [ﷺ] فرمود: «مهدی از ذریه من و از فرزندان فاطمه خواهد بود.» <sup>۳</sup>

گفتنی است حتی در احادیث اهل سنت، حکومت بنی‌امیه، بنی‌عباس، و اگر نگوئیم همه، بیش‌تر حکومت‌های مسلمانان تا کنون را نامشروع می‌دانند؛ زیرا آن‌ها دارای سلسله نسب موردنظر نیستند. اگر مهدی [ﷺ] در دوران بنی‌امیه ظهور کرده بود، روشن است که حکومت او نامشروع و غیرقانونی می‌بود. مسلماً اگر مهدی [ﷺ] ظهور کند، تمامی حکام حاضر جهان اهل سنت که نمی‌توانند ثابت کنند که از نسب فاطمه‌اند، خودبه‌خود بر همین اساس نامشروع تلقی خواهند شد. این شرط همیشه یک چالش بالقوه برای حکمای اهل سنت و شیعه که نمی‌توانستند علوی بودن خود را ثابت کنند، به

شمار رفته است. این شرط برای خلیفه عثمانی، منشأ اصلی نگرانی بوده است. در مذهب شافعی نیز خلیفه باید یک عرب از قبیله قریش باشد.

حدیث معتبر «امامان از قریش هستند» توسط نسائی نقل شده است؛ حدیثی که صحابه پیامبر و تابعین به آن پایبند بودند، با این شرط که آن امام، یک عرب قریشی دارای تمامی شرایط حکومت باشد. همچنین او حضور داشته باشد و اگر حضور نداشت، مشروع‌ترین شخص از قبیله کنانه جانشین او شود و بعد از دیگر قبایل عرب، و سپس نوبت به غیر عرب می‌رسد.<sup>۶</sup>

عجیب نیست که وقتی حکومت عثمانی در قرن 19 رو به افول گذاشت و حس ملی‌گرایانه اعراب برانگیخته شده بود، عثمانی‌ها بر مذهب حنفی تأکید داشتند؛ زیرا این مذهب بر روی نژاد عربی خلیفه تأکید نداشت.

فقه حنفی همیشه در نظر خلفای عثمانی مناسب‌تر می‌نموده است و آن را به عنوان مذهب رسمی پذیرفته بودند؛ زیرا در این مذهب، باید حاکمی توانا و قوی ولایت و سرپرستی مسلمانان را بر عهده گیرد، به شرط آن که حامی اسلام باشد و سیره نبوی را رعایت کند، حتی اگر از قبیله‌ای اصیل عرب قریشی نباشد.<sup>۷</sup>

مشهور است یکی از وعده‌های اجرایی نشده کمیسر عالی انگلیسی، سر هنری مکماهان، در مصر به حسین شریف مکه، در توافق‌نامه بین او و حسین، بازگرداندن یک خلیفه عرب برای اسلام بوده است. <sup>۸</sup> نکته دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، تهدید بالقوه‌ای است که به عثمانی‌ها تحمیل شد و آن، ظهور شخصی در سودان در قرن نوزدهم بود که ادعای مهدی بودن می‌کرد. یک عرب \_ یا به‌طور دقیق‌تر یک نپوبایی عرب‌شده \_ که تأکید داشت شرط لازم \_ یعنی عرب بودن \_ را دارد، اگر چه ادعایش مورد تردید است. در مراحل بعدی محمد احمد بن عبدالله سعی داشت که با ارجاع به نص قرآن و احادیث شروع به اثبات موقعیت خود کند. <sup>۹</sup> در این بین، مدعی دیگری به نام سیدمحمد جانپوری (1443 - 1505) که پدرش عبدالله و مادرش آمنه نام داشتند (مانند پیامبر اسلام) ادعای خود را فراتر نهاد و خود را از نوادگان [امام] حسین [علیه السلام] به شمار آورد و ادعای مهدی بودن کرد. با توجه به مثال‌های فوق، می‌توان مشاهده کرد که در طول تاریخ، بر اساس نسب و تبار تعریف شده برای مهدی [علیه السلام]، مدعیان مهدویت، خطری جدی برای رژیم‌های سنتی به شمار آمده‌اند.

در مورد حکومت‌های شیعه وضعیت پیچیده‌تر است. چون شیعیان به وضوح مهدی [عجله الله تعالی فرجه له] را امام دوازدهم خود می‌دانند. اگر یک مدعی بخواهد تظاهر خود را فراتر نهد و ادعای مهدویت کند، چندان دشوار نیست؛ چون حتی ورود به حریم و نزد امام غایب مسئله‌ای خارق العاده و معجزه‌گونه است و بر اساس احادیث، هیچ کس زمان دقیق ظهور را نمی‌داند.<sup>۱۰</sup> با این حال، شرایط برای شاهان ایران به‌ویژه آخرین شاه این سرزمین، نیز آسان‌تر از مدعیان دروغین نبوده است؛ چون نیروهای انقلابی تحت فرمان امام خمینی ادعا داشتند که به نام امام مهدی [عجله الله تعالی فرجه له] وارد عمل شده‌اند. این امر به نوبه خود موقعیت شاه را به خطر می‌انداخت. شاه فرزند یک افسر نظامی بود که با کودتا به قدرت رسید. او همیشه از کورش کبیر به نیکی یاد می‌کرد و در جشن دوهزار و پانصدسالگی شاهنشاهی ایران که در سال 1971 در پرسپولیس برگزار شد، کوروش را جد خود معرفی می‌کرد. این در حالی است که شرط لازم، اصل و نسب حسینی است. افزون بر این، امام خمینی [عجله الله تعالی فرجه له] و برخی فعالان انقلابی می‌توانستند ادعا کنند که سادات علوی هستند و خود را از لحاظ اصل و نسب به مهدی [عجله الله تعالی فرجه له] منتسب کنند.

### ج) چالش بنیادی مهدی [عجله الله تعالی فرجه له] برای حکومت‌های فاسد و ناعادل

پس از کنار زدن و ترور امام علی [عجله الله تعالی فرجه له]، خلافت به سیستم پادشاهی تبدیل شد تا این که در سال 1924 القا گردید (حدیثی این مطلب را بازگو می‌کند). البته این روند با وقوع کودتا توسط اشخاص مختلف وقفه‌های بزرگی را به خود دیده است.<sup>۱۱</sup> طبیعت شبه‌دموکراتیک انتخاب ابوبکر بر اساس اجماع (طبق نظر اهل سنت)، تا حد زیادی بعد از خلفای راشدین در انتخاب حاکم برای جامعه اهل تسنن نادیده گرفته شد. این مسئله‌ای اساسی در بررسی مسئله مهدویت است. اصلی‌ترین نکته این است که وجود او (مهدی) پایان دادن به حکومت‌های آلوده به گناه است (این جمله در منابع اهل سنت و تشیع مشترک است). او جهان را پر از عدل و برابری خواهد کرد، در حالی که قبل از آن با ظلم و بی‌عدالتی پر شده است و او به طریقی توسط مسیح کمک خواهد شد.

یک دلیل اختلاف بین شیعه و سنی، اصرار شیعه بر این است که جانشین پیامبر توسط خود پیامبر تعیین شده و در این جریان امام علی [عجله الله تعالی فرجه له] انتخاب شده است، ولی ابوبکر از سوی مردم به جای علی به نایب به عنوان خلیفه انتخاب شده؛ عملی که شیعیان معتقدند غصب حق الهی بوده است.

پس از وفات نواب چهارگانه امام غایب نیز میان خود شیعیان، بحران مشروعیت و حقانیت به وجود آمد و آن این که آیا می‌توان در غیاب امام دوازدهم، حکومت اسلامی مشروعی داشت؟

تئوری ولایت فقیه تلاش برای حل مسئله بوده است. اساساً در این تئوری یک دولت منتخب محبوب همراه با هدایت علما و قانون شرع در غیاب مهدی حکومت می‌کند.<sup>۱۲</sup> این بیش‌تر به

موقعیت کنونی بازمی‌گردد. وقتی مواردی همچون رژیم‌های غیرمنتخب جهان اسلام و از همه مهم‌تر تسلیم آن‌ها در برابر جهان غرب و تنها گذاشتن فلسطین \_ که امام خمینی [ع] به سختی آن‌ها را محکوم کرد<sup>۱۳</sup> \_ را مد نظر می‌گیریم، اهمیت این تئوری را بهتر متوجه می‌شویم. در احادیث شیعه و سنی آمده است که مهدی [ع] بر اساس سنت رسول خدا [ص] حکومت خواهد کرد. تشیع تأکید زیادی بر عدالت و مقابله با ستمگران دارد. این تأکید بر عدالت، نه تنها بر اعتقادات تئوری شیعه تأثیرگذار است، بلکه شیعیان، عدالت را به عنوان محور اصلی در اسلام دانسته و خواهان اجرای عملی عدالت در سطح جامعه نیز هستند.<sup>۱۴</sup> بنابراین عدم وجود و حضور حکومت شرع، شیوع بی‌عدالتی و فساد و خودکامگی، مسائلی هستند که باید از بین بروند. بنابراین می‌توان گفت که مهدی [ع] شخصی انقلابی است که در مقابل رژیم‌های ناحق و ناعادل که اغلب رژیم‌های جهان اسلام را شامل می‌شوند، می‌ایستد. این جنبه مقابله‌جویانه حکومت مهدی [ع] باید مورد توجه قرار گیرد.

چنین ویژگی مقابله‌جویی، یکی از مشخصات انقلاب مهدوی در سودان بود. به نظر صادق المهدی (نوه بزرگ مهدی) بسیاری از علمای سودان و مصر دعوت مهدی برای جهاد علیه سلطان را به دلایلی مشروع دانسته‌اند که عبارتند از:

یکم. آنان «خدو توفیق» را مناسب حکومت نمی‌دیدند. پس مهدی [ع] مانند «اورابی» در مصر موظف بوده است که علیه مصریان که قصد فتح سودان را داشتند، بجنگد.

دوم. هر مسلمانی وظیفه داشت که علیه عبدالحمید \_ سلطان عثمانی \_ که با حمایت از مسیحیان بیگانه به اسلام خیانت کرده بود به پا خیزد. در این شرایط، وظیفه مسلمانان در تسلیم بودن نسبت به حاکم یا ولی خود اجرایی نبود و قیام مهدی در سودان کاملاً توجیه شده به شمار می‌آمد.

سوم. اسلام نیاز به یک رهبر مقتدر داشت که بتواند قوانین دین را اجرا کند؛ مهم نبود که این قوانین را مهدی سودانی عملی کند یا کسی دیگر.<sup>۱۵</sup>

انقلاب سال 1979 ایران نیز دارای ویژگی‌هایی مشابه بود. هدف این انقلاب، برقراری حکومت شرعی به نام امام دوازدهم (مهدی [ع]) بوده است. در این باره حدیثی وجود دارد که بیان می‌کند ظهور امام مهدی [ع] به عنوان یک انقلاب، نیازمند آمادگی نظامی نیز هست؛ آن‌جا که امام صادق [ع] می‌فرماید:

خود را برای قیام قائم ما آماده کنید، حتی به جمع کردن یک تیر [برای دشمنان خدا].<sup>۱۶</sup>

یکی از ویژگی‌های انقلاب ایران، براندازی شاه \_ یکی از مستبدترین دیکتاتور های قرن بیستم \_ بوده است. ولخرجی در جشن‌های پرسپولیس، همراه با شکنجه‌های وحشیانه پلیس مخفی رژیم شاه

(ساواک)، برای حکومت شاه در کل جهان چهره‌ای ناعادل ساخته بود. این وضع حکومت در تضاد با انتظارات سیاسی و اجتماعی حکومت مهدی [عجله الله تعالی فرجه] بود و لازم است که این حدیث را از امام دوازدهم به خاطر بسپاریم که می‌فرماید:

همانا در هنگام ظهور من \_ هر وقت که باشد \_ هیچ‌گونه پیمان و ذمه‌ای برگردن من نسبت به حکومت ستمگر نیست.<sup>۱۷</sup>

شاید بتوانیم انقلاب 1979 را نوعی انقلاب مهدوی بنامیم.

#### د) خشونت مقدس مهدی [عجله الله تعالی فرجه] و مسیح [عجله الله تعالی فرجه] علیه ضد مسیح

یکی از ویژگی‌های اصلی آخرالزمان شناسی اسلامی \_ که تعجب مسیحیان انجیلی را برمی‌انگیزد \_ تأکید بر مفهوم ضد مسیح است (الدجال المسیح = مسیح فریبنده). احادیث و روایات بسیاری دربارهٔ او موجود است و ما تنها دسته‌ای که مربوط به موضوع بحثمان است را بررسی کنیم.

#### احادیث اهل سنت

نواس بن سمعان نقل می‌کند که: رسول خدا [ص] یک روز صبح از دجال نام برد [و فرمود]:

او مردی جوان با موهای تراشیده و چشمان گود خواهد بود. پرسیدیم: در زمین خواهد ماند؟ فرمود: برای چهل روز، یک روز مثل یک سال شما و یک روز مثل یک ماه و یک روز مانند یک هفته و دیگر روزها مثل روزهای شما خواهد بود... او خواهد آمد و آن‌ها را به دین باطل فرا می‌خواند. مردمی به او ایمان می‌آورند و به ندای او لبیک می‌گویند. او سپس به آسمان‌ها فرمان می‌دهد و باران می‌بارد و بر روی زمین گیاهان را خواهند رویید و سپس در هنگام غروب حیواناتشان از چراگاه با کوهان‌های بلند به سوی آن‌ها خواهند آمد. پستان‌های آن‌ها پر از شیر و پهلوهایشان ورم کرده است. او سپس به سوی مردمی می‌رود و آن‌ها را نیز فرا می‌خواند. اما آن‌ها او را می‌رانند و او از آن‌ها دور می‌شود. آن مردم خشک‌سالی می‌کشند و از ثروت‌هایشان چیزی باقی نمی‌ماند. او سپس در بیابان گام می‌نهد و به بیابان می‌گوید: گنج‌های پنهان خود را آشکار ساز! گنج‌های بسیار در حضور او مانند گله‌های زنبور انباشته خواهد شد. او سپس کسی را که در ابتدای جوانی است ندا می‌دهد و او را با ضربت شمشیری به دو نیم می‌کند و دو نیم بدن او را به فاصله از هم قرار می‌دهد؛ فاصله‌ای به اندازه یک تیرانداز و هدف. او سپس آن جوان را می‌خواند و او در حالی که خنده بر لب دارد به سمت او خواهد آمد. در این زمان، خداوند مسیح بن مریم را خواهد فرستاد و او بر یک مناره سفید در کناره شرقی دمشق فرود خواهد آمد، در حالی که جامه‌ای پوشیده که با اندکی زعفران رنگ شده است، دست در دست ملائکه دارد. وقتی او سرش را به زیر می‌آورد، قطرات عرق از جیبش بر زمین خواهد افتاد و هنگامی که سرش را بالا می‌برد، قطرات عرق مانند دانه‌های مروارید به اطراف پراکنده می‌شوند. هر کافری که رایحهٔ



بدن او را استشمام کند به درک واصل خواهد شد و نفس او تا جایی که چشم، توان دید دارد، خواهد رسید. او سپس به دنبال دجال خواهد بود تا این که او را در دروازه لود دستگیر کرده و می کشد.

پس زمین مورد خطاب قرار می گیرد که میوه های خود را عرضه کند و برکت خود را باز گرداند. در نتیجه انارهای چندان بزرگی خواهد رسید که یک دسته از مردم قادر به خوردن آن خواهند بود و زیر پوست آن پناه ببرند. گاوهای شیرده آن قدر شیر می دهند که تمامی افراد یک مهمانی می توانند از آن بنوشند. اشتران شیرده آن قدر شیر می دهند که یک قوم می توانند از آن بنوشند. گوسفندان به اندازه های شیر می دهند که یک خانواده را کفایت می کند.<sup>۱۸</sup>

### احادیث شیعه

خیثمه می گوید: ابوجعفر (امام باقر علیه السلام) به من فرمود:

ای خیثمه، زمانی خواهد آمد که مردم نخواهند دانست که الله کیست و توحید چیست؛ تا این که دجال ظهور کند و حضرت مسیح بن مریم \_ که رحمت خداوند بر او و مادرش باد \_ نیز ظهور خواهد کرد. او از آسمان فرود خواهد آمد و خداوند دجال را به دست مسیح خواهد کشت و مردی از خاندان ما با مردم نماز خواهد خواند. نمی دانی که مسیح پشت سر ما نماز خواهد خواند؟ اگر چه پیامبر است، آگاه باش که ما از او برتریم.<sup>۱۹</sup>

نقل شده است که مسیح در شرایطی فرود خواهد آمد که جامه زعفرانی پوشیده است. بنا بر حدیثی دیگر، عیسی بن مریم علیه السلام از تپه ای در زمینی مقدس به نام ایطیبانی (ایطیبیت) فرود خواهد آمد، در حالی که جامه ای زرین بر تن دارد و موهای او به نشانه تدهین، با روغن چرب شده است و با نیزه ای که در دست دارد، دجال را خواهد کشت. او به اورشلیم می آید، در حالی که مردم در حال برپایی نماز عصر هستند و امام مهدی علیه السلام در جلوی آن هاست، اما به عقب می آید و به عیسی علیه السلام می گوید که او به جلو برود، ولی عیسی علیه السلام ایشان را مقدم می شمارد و طبق قانون وحی شده بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم پشت سر او نماز می گزارد. سپس او خوک را خواهد کشت، صلیبها را خواهد شکست و کلیساها را نابود خواهد کرد و مسیحیان را به جز کسانی که به مهدی علیه السلام ایمان می آورند به قتل خواهد رساند. ابوعبدالله علیه السلام از پدران نقل کرده که حسن بن علی علیه السلام در هنگام مناظره با شاه بیزانس فرموده است:

زندگی مسیح سی و سه سال بود و سپس خدا او را به آسمانها عروج داد و او را در دمشق فرود خواهد آورد و او کسی است که ضدمسیح (دجال) را خواهد کشت.<sup>۲۰</sup>

ضد مسیح نقطه اوج کفر خواهد بود و حتی این کلمه بر روی پیشانی او نقش بسته است.<sup>۲۱</sup> او اعمال شیطانی معجزه‌دار انجام می‌دهد و مردم را به قدردانی می‌کشاند (یک حدیث، این را به خارجیت مربوط می‌داند).<sup>۲۲</sup> از این لحاظ ما می‌توانیم این مسائل را با مسیحیت موازی ببینیم. معمولاً حدیث بیان می‌کند که دجال یک نفر مشخص است، به‌ویژه آن حدیث که هویت او را به نام ابن سعید<sup>۲۳</sup> مشخص می‌کند. به هر حال، ضد مسیح علیه مسیح [علیه السلام] و مهدی [علیه السلام] است. او معجزه‌های جعلی شیطانی انجام می‌دهد؛ دین دروغین می‌سازد و دولت باطل شیطان را برپا می‌کند و در نهایت یک آرمان‌شهر باطل و به ظاهر دینی بنا می‌نهد.

این مسائل باعث شده است که برخی از اندیشمندان عصر حاضر دنیای اسلام، دجال را به عنوان یک سیستم در نظر بگیرند؛ همانند نظم نوین جهانی که احتمالاً در نهایت یک شخص را به اوج می‌رساند. مسائلی وجود دارد که بر اساس آن‌ها می‌توان دجال را یک مفهوم کلی و جمعی در نظر بگیریم.<sup>۲۴</sup> احادیثی وجود دارند که وجود چندین دجال را پیش‌بینی می‌کنند<sup>۲۵</sup> و دیگر احادیث، رهبر شدن جمعی توسط دجال را بازگو می‌کنند.<sup>۲۶</sup> افزون بر این، هنگامی که قرآن، ملت‌هایی را که علیه اسلامند را ذکر می‌کند، از دجال نام نمی‌برد. اما احادیث، حمله به عربستان و فارس و حمله به کافران، زرتشتیان و مردم مسیحی را در واقع با حمله و اقدام علیه دجال مرتبط می‌سازند؛ همان‌طور که از *انجیل*، واژه ضد مسیح و مرد آشوب و بی‌قانون که در رسائل آورده‌اند استفاده شده است. اما شاید بتوان این را با پیامبران دروغین مرتبط دانست.<sup>۲۷</sup> از این گذشته، برخی از صاحب‌نظران و مسلمانان ادعا کرده‌اند اشاراتی از قبیل این که دجال یک چشم است و بر روی پیشانی او کلمه کفر حک شده است، همگی مطالبی استعاره‌ای باشد و یک مقاله با بررسی اسکناس یک دلاری امریکا، نکاتی را مطرح کرده است؛ از جمله این که بر روی اسکناس یک دلاری، علامت فراماسونیک (یک هرم با یک چشم) وجود دارد که نشان‌گر دجال و ضد مسیح است. زیر این هرم نوشته شده است: «نظم نوین جهانی» که در واقع باید این‌گونه ترجمه شود: «نظم نوین پنهانی».

هارون یحیی بر این باور است که دجال ادعای الوهیت خواهد کرد (نامه دوم پُل رسول به تسالونیکیان). در حدیث پیامبر [صلی الله علیه و آله] آمده است که دجال ابتدا پیامبری و سپس ادعای نوعی الوهیت می‌کند (خداوند فراتر از چیزی است که به او نسبت یا توصیف داده شود).<sup>۲۸</sup> پیامبر [صلی الله علیه و آله] فرموده است:

هنگامی که دجال ظهور می‌کند همه او را یک هادی فرض می‌کنند و به نزد او می‌روند و او همین‌گونه به کار خود ادامه می‌دهد تا این که به کوفه می‌رسد و در آنجا ادعای پیامبری می‌کند. مردم منطقی که این مسئله را می‌بینند از او جدا می‌شوند. سپس ادعای الوهیت می‌کند و حتی

می‌گوید: «من الله هستم». او نخست می‌گوید: «من پیامبر هستم»، ولی بعد از من هیچ پیامبری نخواهد آمد و سپس خواهد گفت که من ربّ شما هستم، اما شما هرگز پروردگارتان را تا زمانی که بمیرید نخواهید دید ... آن‌ها (شیاطین) به او (دجال) خواهند گفت: «ما کمک‌کننده و تحت فرمان تو هستیم» و او به آن‌ها خواهد گفت: «بشتابید و به مردم بگویید که من الله هستم».<sup>۲۹</sup>

آقای مودودی در جمله‌ای که برگرفته از طرز تفکر اسلامی است، سرپرستی سیاسی جدای از شریعت را با شرک مرتبط دانسته است. هر کس که ادعای قدرت و سرپرستی کند، در حالی که خود را مستقل از خدا و یا علیه او بداند و برای بشر قانون وضع کند، در واقع ادعایی خدایی و الوهیت کرده است. هر کس که چنین قدرتی را برای کسی قائل باشد، او را شریک خداوند قرار داده و مرتکب شرک شده است.<sup>۳۰</sup>

قطب، تفسیر مشابه‌ای از حکومت غیر اسلامی دارد. او می‌گوید: کنار گذاشتن شریعت اسلامی و حکم راندن بر اساس ایدئولوژی‌های دیگر در واقع حق الوهیت برای خود قائل شدن است. اصلی که این نوع حکومت بر آن (سنت جاهلیت) برپاست، در مقابل حاکمیت خداوند بر روی زمین است و در واقع علیه اصلی‌ترین خصوصیت الوهیت که حاکمیت است، قرار دارد. در این سیستم به بشر این قدرت داده می‌شود و برخی از آن‌ها را خدای دیگران قرار می‌دهد. اکنون این تغییر حاکمیت از خدا به انسان مانند دوران جاهلیت اولیه پیش از هجرت اتفاق نمی‌افتد، اما با اجازه دادن به بشر که بی‌حساب برای خود حق تعریف ارزش‌ها، وضع قانون و تعریف نظام‌های فکری قائل شده و مثلاً مقامی برای خود در نظر گرفته، تمامی این موارد بدون در نظر گرفتن نظام اخلاقی و فرامین الهی، بلکه مطابق با آن چیزی که خداوند کاملاً از آن نهی کرده، این تغییر حاکمیت رخ می‌دهد. اکنون مخالفت با حاکمیت خداوند بدین روش دشمنی با اصل ایمان است.<sup>۳۱</sup>

بنابراین، حاکمانی که در حیطه فرهنگی و بنیان حکومتی از اراده خداوند پیروی نمی‌کنند، از راه اسلام منحرف شده‌اند. آن‌ها خدایان دروغینی هستند که باید خلع شوند تا جامعه پاک شود. امام خمینی (علیه السلام) این موضوع را به روشنی بیان کرده است:

تمامی نظام‌های حکومت‌های غیر اسلامی نظام‌های کفر هستند. چون حاکم آن‌ها به هر نحوی یک مصداق طاغوت می‌باشد. وظیفه ما این است که تمامی آثار کفر را از جامعه اسلامی بزداييم... محیط اجتماعی به وجود آمده توسط طاغوت و شرک جبراً به فساد در جامعه می‌انجامد.<sup>۳۲</sup>

بنابراین الوهیتی که ضد مسیح مدعی آن خواهد بود، بیش‌تر سیاسی است تا این که هستی‌شناختی باشد. به هر حال این دو نوع از الوهیت به‌طور متقابل انحصاری نیست. بر همین اساس است که ما

می‌توانیم اقدامات انقلابی مهدی [عجله] و مسیح [عجله] را در اسلام مورد بررسی قرار دهیم. مهدی می‌آید تا یک حکومت اسلامی حقیقی بنا کند. او در هنگام ظهور با تبلور نیروهای ضد اسلامی به شکل دجال روبه‌رو خواهد شد؛ خواه به صورت یک شخص و یا یک سیستم که قوای مسلمانان مرتد و نامسلمانان را علیه مهدی [عجله] متحد کند. برای برپا کردن یک جامعه اسلامی مهدی [عجله] باید با قوای ضد مسیح وارد جنگ و نزاع شود. در احادیث شیعه آمده است که مهدی [عجله] با دشمنان خدا وارد جهاد خواهد شد<sup>۳۳</sup>

در فقه شیعه با توجه به قدرتی که باید حکم جهاد را صادر کند، دو نوع جهاد وجود دارد: جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی.

از دیدگاه شیعه، جهاد ابتدایی فقط می‌تواند تحت فرمان پیامبر [اکرم] یا یکی از دوازده امام معصوم [عجله] انجام گیرد و در غیر این صورت منع شده است.<sup>۳۴</sup> مسئله نگرانی نسبت به اهداف اتمی ایران در موقعیت کنونی را باید از این منظر بررسی کرد. حقیقت هر چه می‌خواهد باشد؛ این برنامه اتمی به استقلال و امنیت غرب هیچ لطمه‌ای نخواهد وارد کرد. حتی اگر ایران در حال جمع‌آوری ذرات‌خانه‌های هسته‌ای در برابر امریکا نیز باشد، این دولت اسلامی نمی‌تواند از این تسلیحات برای فتح امریکا استفاده کند، مگر این که مهدی [عجله] ظهور کند و فرمان آن را بدهد. در نهایت ایران در صورت مورد حمله قرار گرفتن، شاید بتواند به عنوان جهاد دفاعی از آن استفاده کند.

تنها امام دوازدهم [عجله] می‌تواند زمان و فرمان جهاد ابتدایی را تعیین کند. از این گذشته دجال \_ چه سیستم و چه شخص \_ به‌طور مستقیم توسط شخص مهدی [عجله] نابود نمی‌شود، بلکه هم در احادیث شیعه و هم در احادیث اهل سنت آمده است که این اقدام توسط مسیح بن مریم [عجله] انجام می‌گیرد که با نیزه، ضد مسیح را به درک واصل می‌کند.<sup>۳۵</sup> این نشان‌گر طبیعت فراماده و متافیزیکی این نقش است.

در احادیث شیعه، ظهور مهدی [عجله] و مسیح [عجله] هر دو خرق عادت و معجزه‌گونه‌اند. مهدی [عجله] همراه با فرشتگان که به صورت انسان مجسم شده‌اند ظهور می‌کند و مسیح هم از آسمان فرود می‌آید.<sup>۳۶</sup> تجسم و رؤیت فرشتگان و حوادث معجزه‌گونه، نشان‌گر فراماده بودن جهاد مهدی [عجله] و مسیح [عجله] است. همه جهانیان این حوادث را درک خواهند کرد.

با توجه به این مسائل می‌توان مشاهده کرد که فرضیات علیه فعالیت‌های ایران بدون توجه به این مسئله که فرمان جهاد ابتدایی به جز شخص مهدی [عجله] صادرشده نیست، ادامه و پرورش پیدا کرده است. نکته دیگری که می‌توان مد نظر گرفت، نقش مسیح [عجله] در از بین بردن ضد مسیح است.

## 2. مسیح [ﷺ]

### الف) پسر داوود نبی و مکافات و جزایی مقابله جویانه

در جهان بینی مسیحیت، ظهور دوباره مسیح [ﷺ] در واقع به اوج رسیدن حکومت اوست؛ حکومتی که شروع آن در ظهور اول بوده است. کلمه «crisov» در یونانی به معنای مسیح، یعنی «با روغن تدهین شده» است. در عهد عتیق، شاهان با روغن تدهین می‌شدند که در واقع نماد تدهین ملکوتی روح خداست. در اول سموئل نبی، شاهان به عنوان تدهین شده توسط خداوند توصیف شده‌اند. بنابراین یکی از جنبه‌های حکومت مسیح [ﷺ] در واقع حکومت کردن او به عنوان جانشین برحق داوود پادشاه است. به همین دلیل مسیح [ﷺ] را پسر داوود نبی [ﷺ] می‌نامند. مسیح \_ پسر داوود نبی \_ یا عیسی [ﷺ] حکومت خداوند را به جامعه بشری باز خواهد گرداند. از مهم‌ترین بخش‌های این ظهور، مکافات مقابله جویانه و رودررو است. این رویارویی و برخورد، به بشر آسیبی نخواهد رساند، بلکه روی این تقابلات با شیاطین جهان آن‌هاست.<sup>۳۷</sup> مثال دیگر در *انجیل متی* 12:22 و صفحات بعد آمده است که عیسی [ﷺ] با خواندن وردها ارواح شیاطین را دفع می‌کند، به گونه‌ای که ناظران با تعجب می‌پرسند که آیا واقعاً این مسیح است که این کارها را انجام می‌دهد؟ و مسیح در پاسخ می‌گوید: این نشانه آن است که حکومت خداوند جهان به بشر وارد شده است. اگر من ارواح شیاطینی را توسط روح القدس دور کنم، بدانید که حکومت خداوند به شما رسیده است.

این نکته در *انجیل یوحنا*<sup>۳۸</sup> به اوج می‌رسد؛ آن‌جا که عیسی به صلیب کشیدن خود را پیش‌بینی می‌کند و سخن از تغییر حکومت توسط حمله بر شیطان و یا طاغوت جهانی به میان می‌آورد. اکنون زمان داوری در این جهان فرارسیده است. پادشاه حاضر جهان رانده خواهد شد و مسیح [ﷺ] به عنوان یک پادشاه از صلیب حکم خواهد راند.<sup>۳۹</sup> پس می‌توانیم بگوییم که به صلیب کشیدن مسیح در واقع غلبه مسیح بر قوای شیطان است.

کامل شدن این اقدام در ظهور دوباره مسیح اتفاق می‌افتد. مسیح به عنوان شاهی که تاج پادشاهی جهان را بر سر دارد مکافات و داوری جهانی را عملی می‌کند.<sup>۴۰</sup> وقتی بشر با همراهی فرشتگان به اوج قدرت می‌رسد، مسیح بر روی تخت باشکوه خود می‌نشیند. همه امت‌ها در حضور او حاضر خواهند شد، در حالی که شروران به جهنم رانده شده‌اند و حکومت به صالحان می‌رسد. عدالت الهی در نهایت اوج خود عمل خواهد شد. ظهور دوباره مسیح [ﷺ] به صورت معجزه‌آسایی به سلطه شیطان در جهان پایان می‌دهد. توازنی که بین آخرالزمان شناسی اسلامی و مسیحی وجود دارد این است که در هر

حکومتی که بدکاران و شیاطین از بین بروند، یک آرمان شهر برای صالحان برپا خواهد شد و اصلی ترین تفاوت موجود این است که در مسیحیت، خشونت فیزیکی وجود ندارد. از منظر کتاب مقدس آن حکومت نهایی مهم است نه خشونت، در حالی که اسلام حوادث پیش از این را نیز بررسی می کند و مد نظر قرار می دهد.

### ب) ضد مسیح

در نامه های یوحنا به ضد مسیح اشاره شده است. در نامه اول یوحنا<sup>۴۱</sup> متوجه می شویم که ضد مسیح، بیشتر پدیده ای معاصر بوده تا این که یک پدیده آخر زمانی باشد: ساعت آخر است. همان طور که مسیح [ﷺ] خواهد آمد و حتی اکنون تعداد زیادی ضد مسیح ظهور کرده است و این گونه است که این ساعت آخر است.

در آیه های بعد، به گروهی از بدعت گذاران تفرقه انگیز اشاره دارد که از کلیساهای پاپی کناره گیری کرده اند:

آن ها از ما کناره گیری کردند. در واقع آن ها از اول از ما نبودند؛ چون اگر آن ها واقعاً از ما بودند، برای همیشه با ما می ماندند.

حواری، اصل مسئله را یک انحراف آشکار و ارتداد اقتباسی از درون کلیسا می داند که آن را «Docetic» می نامند. به اعتقاد این فرقه، مسیح، جسم ظاهری نداشته و بر روی صلیب، زجر و درد نکشیده است؛ چنان که در آیه 22 می خوانیم:

چه کسی دروغ گوشت؟ مگر کسی که انکار کند که عیسی همان مسیح است. این منکران ضد مسیح اند. کسی که پدر و پسر را انکار کند.

کلمه «Docetic» از یک واژه یونانی به معنای «در ظاهر» و «به نظر رسیدن» گرفته شده است. این مذهب ارتدادی (از دیدگاه مسیحیان) اصل وجود جسمی و انسانی مسیح را به طرق مختلف منکر است. از نظر پیروان این مذهب، باور نکردنی است که مسیح ملکوتی، در قالب گوشت و خون وارد این جهان شده باشد.<sup>۴۲</sup>

کلی<sup>۴۳</sup> می نویسد:

نظریه متمایز که معروف است در واقع بشر بودن مسیح است و در نتیجه درد و زجرهای او غیر واقعی است و وهمی بیش نیست. روشن است که نظر او بر اساس پیش فرضی است که درباره تالم پذیری موجود الهی و ناخالص بودن ماده است.<sup>۴۴</sup>

یوحنا با این تفکر تألم‌ناپذیری مقابله می‌کند و آن را فریبنده و ضد‌مسیح می‌داند؛ کسی که منکر آمدن مسیح [ع] در قالب گوشت و خون است (نامه دوم یوحنا). شاید یکی از اصلی‌ترین معتقدین به «Docetist» شخصی به نام سرینتوس باشد. اسقف ایرنئوس در اثرش با عنوان **بر ضد مرتدان** جزئیاتی از اعتقادات سرینتوس را بیان می‌کند:

جهان توسط خداوند اصلی به وجود نیامده، بلکه توسط نیرو و قدرتی کاملاً جدا از خداوند به وجود آمده است.<sup>۴۵</sup>

او معتقد است که عیسی از یک باکره به دنیا نیامده، بلکه پسر مریم و جوزف است که مانند دیگر نسل‌های انسانی تولید مثل طبیعی داشته است:

بعد از غسل تعمید، مسیح به قالب یک کبوتر از طرف حاکم قادر بر او فرود آمده است. اما در انتها مسیح از عیسی جدا شده و سپس حضرت عیسی رنج می‌برد و دوباره عروج می‌کند، در حالی که مسیح، رویین تن و آسیب‌ناپذیر باقی می‌ماند؛ چون او یک موجود روحانی بوده است.<sup>۴۶</sup>

در جایی از **انجیل یوحنا** مطلبی نیامده که نشان‌دهنده منشأ انتظار برای ظهور ضد‌مسیح باشد. در این جا دو امکان وجود منشأ وجود دارد: نخست، روایت‌های شفاهی از یوحنا یا دیگر حواریون؛ دوم، پیش‌بینی شخص عیسی.

مسیح [ع] از مسیح‌های دروغین حجت به میان می‌آورد. در یونانی کلمه «Anti» می‌تواند به معنای «به جای» و «در مقابل» نیز باشد، اما با اطمینان نمی‌توان گفت که منظور از ضد‌مسیح، همان مسیحیان دروغین است.

به هر حال، در همین آیه، این مفهوم (مسیحیان دروغین) را با پیامبران دروغین مرتبط می‌سازد. در نامه اول یوحنا<sup>۴۷</sup> کلمه پیامبران دروغین به چشم می‌خورد و آن‌ها با «Docefic»ها و ضد‌مسیح مرتبط می‌شوند.<sup>۴۸</sup> عیسی به مردم هشدار می‌دهد که اینان سعی می‌کنند خواص را منحرف کنند و سپس در آیه 25 می‌فرماید: «آگاه باشید که من از پیش به شما گفته‌ام.» این نشان می‌دهد که مسئله ضد‌مسیح در زمان حواریون اتفاق خواهد افتاد.

### ج) مرد آشوب‌گر و بی‌قانون

در تسالونیکیان دوم (2:3) پُل، به فاجعه‌های آخرالزمان اولیه اشاره می‌کند. ارتداد و فساد، اول می‌آید و سپس مرد آشوب‌گر نمودار می‌شود؛ او فرزند فساد است. در روایت، این شخصیت با ضد‌مسیح برابر دانسته می‌شود، اگر چه این واژه هرگز توسط پُل استفاده نشده است. این نسبت دادن

شاید به دلیل وجود گفتمان آخرالزمانی هم‌نظر با نامه اول یوحنا باشد. ارتداد با پیدایش مرد بی‌قانون برابر شده است و این با پیش‌بینی حضرت عیسی [علیه السلام] در مورد انحراف مردم مرتبط است.<sup>۴۹</sup> حضرت عیسی [علیه السلام] نیز پیامبران دروغین را با مرد آشوب‌گر برابر می‌داند. ما نباید آشوب و بی‌قانونی را با رفتارهای ناهنجار و غیر ارزشی معمولی یکسان بدانیم، بلکه مفهوم آن انحراف در اعتقادات است. در *انجیل متی*<sup>۵۰</sup> به نقل از عیسی [علیه السلام] آمده است که در روز آخر، مردمانی که ادعای انجام معجزه به نام خدا را کنند ملعون خواهند بود و گناه آشوب‌گری مرتکب شده‌اند.<sup>۵۱</sup> این مطلب با انجام معجزه توسط مرد آشوب‌گر و بی‌قانون هم‌خوانی دارد.

در نامه به تسالونیکیان دوم (2:۹) می‌خوانیم:

او کسی است که تحت امر شیطان، و با تمامی قدرت‌ها و علایم و عجایب دروغین خواهد آمد.

همچنین او فرزند فساد و تباهی خوانده شده است؛ لقبی که در *انجیل یوحنا*<sup>۵۲</sup> به یهودای اسخریوطی داده شده است؛ کسی که لعنت ابدی برایش نوشته شده است.

در *انجیل متی*<sup>۵۳</sup> عیسی [علیه السلام] شخصی به نام فارسیس را به دلیل این که او از درون آشوب‌گر توصیف شده است، مردود می‌شمارد. این واژه در *اعمال رسولان* نیز آمده است (2:23)؛ آن‌جا که به یهودیان اشاره می‌کند که مسیح را برای مصلوب شدن به رومیان تحویل دادند. رومی‌های غیریهودی (غیر کلیمی)، آشوب‌گر و بی‌قانون و بی‌تورات خطاب شده‌اند. آن‌ها از وحی خداوند محروم بودند. ما می‌توانیم شدت مردود شمردن فارسیس توسط عیسی [علیه السلام] را با خطاب بی‌تورات یا خیات به خدا دریابیم. نمونه بیان پُل در نامه‌اش شاید بیان‌گر تحریف و ارتداد باشد. در *انجیل متی*<sup>۵۴</sup> اشاره به پیامبرانی دروغین که مردم را منحرف می‌کنند، با مطالبی دنبال می‌شود که بر آشوب و بی‌قانونی تأکید دارد که نشان‌گر انحراف و ارتداد در اصل جهان‌بینی باشد. پس مرد بی‌قانون و آشوب یک پیامبر دروغین مرتد است.

همان‌طور که ضد مسیح می‌تواند مفهومی کلی داشته باشند نه شخصی، این شخصیت نیز می‌تواند مشابه آن باشد و مفهومی کلی داشته باشد. در زمان پُل (51 پیش از میلاد) انحراف شکوفا در حال وقوع بود<sup>۵۵</sup> اما پیش از نامه یوحنا (در تاریخ آن اختلاف وجود دارد: 70 - 80 یا 85) مرد آشوب‌گر یا ضد مسیح آشکار شده است. در زمان پُل، نوشتن مطلب ممنوع بود که این امر با ظهور ارتداد مصادف شد.<sup>۵۶</sup> تسالونیکیان هویت او را می‌شناختند، اما ما نمی‌دانیم.<sup>۵۷</sup>



برخی بر این باورند که این عامل پیش‌گیری، می‌تواند امپراتوری روم، روح‌القدس یا اعلام‌های *انجیل* باشد. فضا به گونه‌ای است که امکان تحقیق بیش‌تری را نمی‌دهد، اما نظر آخر، درست به نظر می‌رسد. در *انجیل متی*<sup>۵۸</sup> پس از بحث ارتداد گفته می‌شود که اعلام *انجیل* در کل جهان (امپراتوری روم)<sup>۵۹</sup> پایانی است برای مشکلات آخرالزمانی. باید مدنظر بگیریم که پُل، رسول غیر کلیمان بوده است و رومی‌ها ادعا کرده‌اند که توانسته آن‌ها را به تسلیم وادارد.<sup>۶۰</sup> بنا به گفته پُل، او اورشلیم تا الویکم را تحت فرمان حکومت خود داشته است<sup>۶۱</sup> و از آیه 19 و آیه 23 درمی‌یابیم که او بزرگی حکومت خود را به نهایت رسانده بوده و دایره را تکمیل کرده بود؛ چون او قصد دیدن روم را پیش از اسپانیا داشته که تمامی کلیمیان را هدایت کرده است. این اشاره به تکمیل هدایت اخلاقی در این محدوده کوچک، در *انجیل* به صورت هدایت کل جهان یا خطاب به کل جهان مطرح شده است.

من می‌دانم که بعد از رفتن من گرگان وحشی در میان شما در خواهند آمد حتی به گله‌های گوسفند شما هم رحم نمی‌کنند. و از میان خودتان مردانی برخواهند خواست که از انحراف سخن می‌گویند تا این که پیروانی برای خود پیدا کنند.<sup>۶۲</sup>

گرگان لقبی است که به پیامبران دروغین در *انجیل متی*<sup>۶۳</sup> داده شده است و در *مکاشفات* (2:1) آمده است که کلیسای ایتدیس باید با پیامبران دروغین کنار بیاید. این‌طور به نظر می‌رسد که خروج پُل (وفات یا مهاجرت او) زمانی است که پیامبران منحرف به اوج قدرت رسیده‌اند. خود پُل در مقام رسولی خود، یک عامل پیش‌گیری به شمار می‌آمده است.

#### د) از بین رفتن مرد آشوب‌گر و ضد‌مسیح

دلیل توجه مسلمانان به این برداشت مسیحیان، این است که بنابر دسته‌ای خاص از برداشت‌های پیشگویانه توسط اکثر مسیحیان صهیونیست \_ معروف به تقدیرگرایان پیش‌هزاره‌ای \_ باید معبد سوم یهودیان ساخته شود. اشاره ضمنی نیز شده است که محل ساخت این معبد در محل مجموعه الاقصی است.<sup>۶۴</sup> این مطلب بدین معناست که در یک توازی عجیب در اعتقادات اسلامی درباره ظهور دوباره مسیح، او در معبد جدیدی حکومت خواهد کرد. تمامی این‌ها بر اساس یک برداشت اشتباه از *انجیل خرقیال نبی*<sup>۶۵</sup> است و حقیقتی را که در *انجیل یوحنا*<sup>۶۶</sup> آمده و عیسی را به عنوان مصداق انتظار آخرالزمانی مطرح می‌کند نادیده گرفته است:

هر کسی که تشنه است به سوی من بیاید و بنوشد، در حالی که به من ایمان دارد؛ همان طوری که در اسفار گفته‌اند. سپس از قلب او رودخانه‌های جاری خواهد شد.

در آیه 39 قلب را با قلب روح القدس یکی دانسته است. در آیه‌های 14 و 10: 4 عیسی به عنوان عطاکننده آب حیات آمده است. در واقع او همان معبدی است که در *انجیل خرقیال نبی* پیش‌بینی شده است.

این مورد باید با *انجیل یوحنا*<sup>۶۷</sup> مقایسه شود. کتاب مقدس به گوشت و کالبد زمینی تبدیل می‌شود و در میان ما زندگی خواهد کرد و آیه‌های دیگر از شکوه او سخن گفته‌اند. همه این‌ها نشان می‌دهد که مقصود از آن معبد، یک خوانش تحت‌اللفظی از *خرقیال*<sup>۶۸</sup> است که عیسی [ع] را ملزم به انجام دادن قربانی می‌کند و حال آن‌که یک اصل و عقیده اصلی دین‌شناسی *عهد جدید* این است که عیسی [ع] قربانی‌ای است که یک‌بار و برای همیشه کافی است. بنابراین قربانی دیگر معنا ندارد.<sup>۶۹</sup>

دلیل دیگری که این فرقه تقدیرگرا (مسیحیان صهیونیست) منتظر احداث معبد سوم هستند، این است که تسالونیکیان دوم (2:4) را بسیار تحت‌اللفظی تفسیر می‌کنند:

کسی که بر تمامی کسانی که ظاهراً خود را خدا می‌دانند و یا دیگر اشیایی که عبادت می‌شوند برتری و شکوه پیدا می‌کند و او کسی است که بر تخت خویش در معبد خداوند جای می‌گیرد، در حالی که خود را به عنوان خدا آشکار می‌کند.

آن‌ها انتظار ضد‌مسیح در قالب شخصی را که در معبد ادعای الوهیت کند را می‌کشند؛<sup>۷۰</sup> اما پُل با تلمیح به دانیال، به شاه آنیوکس استیفاس (163 – 175 پیش از میلاد) اشاره می‌کند؛ کسی که به معبد حتاکی کرد و کسی که نباید پیش‌بینی دانیال در آیات 36-37 خود را بر تمامی خداها برتری می‌بخشید. او درباره خدایان سخنان دهشتناکی می‌گوید و خود را بر همه برتری می‌دهد. آنیوکس خود را زئوس آشکار نامیده است و برای کافر کردن تمامی یهودیان کوشیده است. در این میان، او به *تورات* نیز حمله می‌کند؛ توراتی که پس از حکم اردشیر در سال 458 پیش از میلاد، قانون رسمی کشور بوده است. بنابراین، آنیوکس در تمامی جهات از *تورات* فاصله گرفته و بسیاری از یهودیان دنبال‌رو او، مرتد شدند.<sup>۷۱</sup>

شخصی که در تسالونیکیان دوم است، به‌طور سمبلیک از این گفته استفاده می‌کند. ارتداد از میان افراد بلندمرتبه کلیسا برمی‌خیزد؛ کسانی که با پشت کردن به وحی الهی که توسط حواریون به آن رسیده‌اند، از *تورات* دور می‌شوند. در آیه 10 از آن‌ها به عنوان کسانی یاد می‌شود که حقیقت را انکار

می‌کنند. در آیات 11 و 12 آمده است که خداوند برای آن‌ها یک عامل گمراه‌کننده می‌فرستد تا به چیزی که ناحق است باور پیدا کنند و سپس به حساب آن‌ها رسیدگی می‌کند. این امر شبیه رومیان 25-24:1 است که مردم حقیقت الهی را با یک دروغ معاوضه می‌کنند و آن را معبود خود قرار می‌دهند. این مسئله باعث تقویت این عقیده می‌شود که بی‌قانونی و آشوب یک موضوع کلی است نه شخصی مشخص. گفتنی است که در *انجیل یوحنا* (3:4) گناه، آشوب‌گری و بی‌قانونی برشمرده شده است.

نکته مهم مرتبط با بحث ما، خشونت مقدس حضرت مسیح [علیه السلام] است. می‌بینیم که این خشونت با عدالت آخرالزمانی هم‌خوانی دارد و با ظهور دوباره مسیح تحقق می‌یابد. مرد آشوب و بی‌قانونی با آمدن عیسی [علیه السلام] از بین خواهد رفت. خداوند او را خواهد کشت. «با نفسی که از دهانش می‌آید به وجود او خاتمه می‌دهد.»<sup>۷۲</sup> نخست یک تصویر متوازی با بحث آخرالزمانی اسلامی به نظر می‌رسد که در آن عیسی [علیه السلام] ضد مسیح را خواهد کشت، اما تفاوت‌های اساسی وجود دارد.

در *عهد جدید*، هیچ نظری نسبت به خشونت فیزیکی مقدس نمی‌یابیم. عیسی [علیه السلام] خشونت فیزیکی را علیه دستگیرکنندگان منع کرد. بنابر متن *انجیل متی*<sup>۷۳</sup>، اگر او اراده می‌کرد، می‌توانست سپاهان ملائکه را فرا بخواند. می‌بینیم که خشونت مقدس از نظر مسیحیت در برابر انسان‌ها انجام نمی‌گیرد، بلکه از نوع فراماده و غیرفیزیکی است که علیه موجودات شیطانی استفاده می‌شود.<sup>۷۴</sup> در متن تسالونیکیان دوم (2:8) به آیه‌ای در اشعیا (11:4) اشاره دارد که در آن‌جا پیش‌بینی می‌شود شاخه مسیحایی با زبان خود به زمین ضربه‌ای می‌زند و با دمی که از میان لبانش بیرون می‌آید تمامی شیاطین را خواهد کشت. این یک مکافات کلی برای تمامی ناصالحان است، نه این‌که علیه یک فرد خاص باشد.

بنابراین، عیسی [علیه السلام] در بازگشت خود بر تخت شاهی می‌نشیند تا عدالت جهانی را فراهم آورد. در تسالونیکیان<sup>۷۵</sup> آمده است که مسیح با ظهور دوباره‌اش کیفر کافران را عملی می‌کند (آیه 8) و آن‌ها به عذاب ابدی مبتلا می‌شوند، در حالی که از شکوه و عزت خداوند محرومند (آیه 9). شباهت زبان و درون‌مایه واقعه نشان‌گر فراماده بودن آن‌هاست. به عبارتی دیگر، بی‌تردید مرتدان محکوم به عذاب جهنم هستند. از منظر معبد جدید، مکافات در عدالت آخرالزمانی در واقع همان خشونت مقدس نهایی است.

## نتیجه

در این نوشتار دریافتیم که بین نقش مهدی [عجله] و عیسی [عجله] در اسلام و مسیحیت توازی و تفاوت‌های اعجاب‌انگیزی وجود دارد. مهدی [عجله] مانند عیسی [عجله] یک حاکم آخرالزمانی است. در هر دو جهان بینی، عیسی [عجله] ضد مسیح را از بین می‌برد، اگرچه طبیعت و خوی خشونت مقدس متفاوت است. مهدی [عجله] و عیسی [عجله] کافران و شورشی‌ها را مجازات می‌کنند (مورد دوم در هر دو جهان بینی). البته تفاوت اصلی این است که در اسلام شیعی، نقش عیسی [عجله] فقط به عنوان یک افسر نظامی در حکومت مهدی [عجله] است و در اسلام اهل تسنن او به عنوان جانشین برای مهدی [عجله] مطرح است که چهل سال بعد از او حکومت می‌کند و حال آن‌که در مسیحیت، ایشان در رأس حکومت است و هیچ‌گونه محدودیتی برای حکومت او تعریف نشده است.

نکته ارزشمند این مطالعه برای عصر حاضر این است که باعث ایجاد یک فهم صحیح از نقش مهدی [عجله] در تشیع و رابطه آن با جهاد ابتدایی خواهد شد که در نتیجه می‌تواند به کاهش ترس و نگرانی جهانی غرب نسبت به فعالیت‌ها و اهداف اتمی گزارش شده ایران کمک کند. از طرف دیگر، با درک درست از نقش ضد مسیح درباره معبد شهر اورشلیم که در عهد جدید آمده است، مسلمانان می‌توانند مطمئن شوند که بر اساس تفسیر درست از متن کتاب مقدس، هیچ‌گونه خطر و تهدیدی به آن‌ها نمی‌رسد. از این منظر، اطلاعاتی درست نسبت به دکتین مهدویت در اسلام و ظهور دوباره مسیح [عجله] در مسیحیت، می‌تواند به روابط بهتر جهان غرب و تمدن اسلامی بینجامد و حتی در جلوگیری از نزاع و جنگ مؤثر باشد.

\* اهل کشور انگلستان و دارای فوق لیسانس مطالعات انجیلی و دکتری مطالعات اسلامی است. وی مدرس دانشکده الهیات انجیلی در والاس و عضو انجمن جامعه انگلستان در مطالعات شرقی است. همچنین او با هفته‌نامه *مسلمانان* که در لندن منتشر می‌شود، همکاری مستمری دارد. این نوشتار، با وجود برخورداری از پاره‌ای خطاها، می‌تواند تا حدودی ما را با تصویری که روشنفکران غربی از اندیشه مهدویت در ذهن دارند آشنا نماید؛ به امید آن که این آشنایی نقطه آغازی برای اهتمام هرچه بیشتر نسبت به گسترش قرائت صحیح اندیشه مهدویت باشد.

۱. *حکومت اسلامی*، امام خمینی (ره)، ترجمه: حامد الگار، تهران، بخش امور بین‌الملل مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ص 23.

۲. انس بن مالک می‌گوید: «وقتی پیامبر ... برای انجام دادن کاری از خانه خارج شد و مشعوف شد هنگامی که شخصی به ایشان گفت: ای هدایت شده حقیقی، ای پیروز!» (*مشکاة المصابیح*، ح 4587؛ این روایت توسط ترمذی نیز نقل شده است)

۳. *رجال ابی داود*، 1470.

۴. همان، 4271.

۵. *بحارالانوار*، ج 51، ص 75.

۶. *The Reliance of the traveller: A Classical Manual of Islamic law*، احمد بن نقیب المصری، ترجمه: نوحامیم کیر، دهلی، انتشارات آما، 1991-1994، ص 641.

7. Deringil, Selim, *The Well-Protected Domains: Ideology and the Legitimation of Power in the Ottoman Empire, 1876-1909*, (London: I. B. Tauris, 1999), p. 48.

8. Paris, Timothy J., *Britain, the Hashemites and Arab Rule, 1920-1925: The Sherifian Solution*, (London: Frank Cass Publishers, 2003), p. 29.

9. Warburg, Gabriel, *Islam, Sectarianism and Politics in Sudan since the Mahdiyya*, (London: Hurst & Co., 2003), p. 31.

۱۰. احمد به سند خود می‌گوید که امام (علیه السلام) فرمود: «خداوند با وقت‌گذاران مخالفت می‌کند». (*اصول کافی*، کتاب الحجّه، ص 941، باب 82، ح 4)؛ الحسین بن محمد، عن علی بن محمد، عن حسن بن علی الخزاز، عن عبدالکریم بن عمرو الخیثمی، عن الفضیل، امام فرمود: «دروغ گفته‌اند وقت‌گذاران، دروغ گفته‌اند وقت‌گذاران...». (همان، ح 5).

۱۱. عتبه بن غزوان: خطبه‌ای ایراد کرد و در آن حمد و ثنا کرد و سپس گفت: «نبوت برای همیشه باقی نخواهد ماند. اثر آن کم‌کم کم‌رنگ می‌شود و در نهایت تبدیل به حکومت شاهنشاهی می‌شود. شما به زودی خواهید دانست و تجربه خواهید کرد کسانی را که بعد از ما به حکومت می‌رسند [که چقدر از دین فاصله گرفته‌اند].» (*صحیح مسلم*، 75، 7)

۱۲. *حکومت اسلامی*، ص 29 و 86.

13. *Ibid.*, pp. 22-23.

14. Shomali, Mohammad A., *Shi'i Islam: Origins, Faith & Practices*, (London: ICAS, 2003), p. 93.

15. Warburg, *Islam, Sectarianism and Politics in Sudan since the Mahdiyya*, p. 36.

۱۶. *بحارالانوار*، ج 52، ص 366.

۱۷. همان، ج 53، ص 181.

۱۸. صحیح مسلم، 7015.

۱۹. بحار الانوار، ج 46، ص 328، ح 24.

۲۰. همان، ج 27، ص 247، ح 14.

۲۱. پیامبر [ﷺ] فرمود: «هیچ پیامبری فرستاده نشد مگر این که پیروان خود را نسبت به دروغ‌گویی تک‌چشم (دجال) هشدار داده باشد، آگاه باشید! او یک چشمش کور است و خداوند شما این‌گونه نیست و در میان چشمانش نوشته خواهد بود "کافر"». (صحیح بخاری، 245، 9)

۲۲. ابوبرزّه الاسلمی نقل می‌کند که شریک بن شهاب گفت: «من می‌خواستم یکی از صحابه پیامبر را ملاقات کنم و درباره خوارج از او سؤال کنم. وقتی ابوبرزاج الاسلمی را همراه چند تن از یارانش در روز عیدی ملاقات کردم، پرسیدم: که آیا سخنی از پیامبر خدا درباره خوارج یا خارجی‌ها شنیده است؟ ... فرمودند: در آخرالزمان مردمانی شبیه به این خروج خواهند کرد در حالی که قرآن می‌خوانند اما قرآن از حنجره آن‌ها خارج نمی‌شود و آن‌ها آن‌چنان از اسلام گریزانند که یک تیر رها شده از کمان و علامت مشخصه آن‌ها ریش‌تراشی است. آن‌ها همچنان به جلو خواهند آمد تا این که در انتها آخرین آن‌ها با ضد مسیح خواهند بود و آنان بدترین و حیوان‌ترین انسان‌ها خواهند بود.» (مشکاة المصابیح، ح 3553)

۲۳. محمد بن المنکدر نقل می‌کند که جابر بن عبدالله را در حالی دیدم که به خدا قسم می‌خورد که ابن سعید دجال است. من به جابر گفتم: «چگونه می‌توانی به خداوند سوگند بخوری؟ او گفت: من شنیدم که عمر در نزد پیامبر در حالی که قسم می‌خورد این مطلب را گفت: ... و پیامبر ... این مسئله را رد نکرد.» (صحیح بخاری، 453، 9)؛ ابن عمر همیشه می‌گفت: به خدا قسم که من شکی ندارم که دجال ابن سعید است. (سنن ابوداود، 4316)

24. E.g., Thompson, Ahmed, Dajjal: The Antichrist, (London, Ta-Ha, 1997).

۲۵. ابوهزیره می‌گوید: پیامبر خدا [ﷺ] فرمود: «... زمان ظهور نخواهد رسید مگر این که 30 دجال ظهور کنند و هر کدام ادعای پیامبر می‌خواهند کرد.» (صحیح بخاری، 237، 9)

۲۶. انس بن مالک می‌گوید: پیامبر خدا [ﷺ] فرمود: «دجال توسط 70 هزار یهودی از اهل اصفهان همراهی خواهد شد.» (صحیح مسلم، 7034) ابوبکر می‌گوید: پیامبر خدا [ﷺ] ... به آن‌ها گفت: «دجال از سرزمینی شرقی به نام خراسان خروج خواهد کرد در حالی که توسط مردمی که صورت‌هایشان شبیه سپرهای پوستین می‌مانند همراهی خواهد شد. ترمزی هم این را نقل کرده است. (مشکاة المصابیح، 5487)

۲۷. نافع بن عتبّه نقل می‌کند که پیامبر [ﷺ] فرموده است: شما به عربستان حمله خواهید و به کمک خداوند آن را فتح خواهید کرد به ایران و روم حمله خواهید کرد و با کمک خداوند فاتح خواهید بود و شما به دجال حمله خواهید کرد و او را شکست خواهید داد. (صحیح مسلم، 6930)

28. Yahya, Harun, AntiChrist Ad-Dajjal, <http://survivorsareus.com>.

29. Yahya, Harun, The Messiah Dajjal Has Secretly Started Work, <http://www.harunyahya.com>.

منابع حدیثی بدین شرح آمده‌اند:

طبرانی نقل کرده از معتمر، صحابه پیامبر [ﷺ]:

صحیح مسلم؛ سنن ابن ماجه، 4077

صحیح مسلم، کتاب الفتن، ترجمه انگلیسی شماره 7000.

30. Mawdudi, Abul A'la, The Islamic Movement: Dynamics of Values, Power and Change, edited by Khurram Murad, (Leicester: Islamic Foundation, English version, 1984), p. 86.

۳۱. فی ظلال القرآن، سید قطب، چاپ لندن، ج 30، ص 44 - 44.

۳۲. حکومت اسلامی، ص 23.

۳۳. محمد بن یحیی از احمد بن محمد از علی بن الحکم از داوود العجلی از زراره از حمران از ابوجعفر نقل کرده‌اند که ابوجعفر گفته است: «چون خداوند متعال جهان را خلق کرد ... و از پیامبران اولوالعزم میثاق گرفت که: "من خداوند هستم و محمد پیامبر من است و علی امیرالمؤمنین اوصیای او که پس از او می‌آیند والیان امر و گنجینه علم من خواهند بود و مهدی کسی است که دینم را به وسیله او کمک خواهیم کرد و حکومت خود را آشکار خواهیم نمود و با او از دشمنانم انتقام خواهیم گرفت و به وسیله اوست که من عبادت خواهیم شد...". (اصول کافی، کتاب الحجّة، ص 1434، باب 13، ح 1)

محمد بن یحیی از علی بن حکم از عبد الله بن بکیر نقل کرده است از مردی که این چنین می‌گفته است: ابوجعفر [ع] فرمود: هر کسی که خود را در کنار قائم ما بیابد و با او خروج کند تا به مقابله با دشمنان ما پردازد، پاداشی برابر با بیست شهید خواهد داشت و هر کسی در راه حمایت از قائم کشته شود پاداش برابر پانزده شهید را خواهد داشت. نقل شده توسط امام باقر [ع] مهدی شبیه جد خویش حضرت رسول می‌باشد. همان طور که پیامبر جهاد خود را با شمشیر آغاز کرد. او دشمنان خداوند و رسول خدا و کسانی را که مردم را به گمراهی کشانده‌اند را خواهد کشت. او پیروزی خود را به وسیله شمشیر و رعب و ترس در دل دشمنان به دست می‌آورد. در سپاه او شکست جایی ندارد. (همان، ص 2237، باب 94، ح 4؛ بحارالانوار، ج 51، ص 218)

34. Mutahhari, Martyr Ayatullah Murtada, Jurisprudence and Its Principles, (New York: Tahrike Tarsile Qur'an, <http://www.al-islam.org/jurisprudence/index.htm> 2002).

۳۵. نقل شده است که پیامبر [ع] فرمود: «در میان ذریه من مهدی است که هنگام ظهور او عیسی بن مریم به یاری او فرود خواهد آمد. و سپس عیسی او را پیش خواهد راند و پشت سرش نماز خواهد خواند.» (بحارالانوار، ج 14، ص 249) خیمه از ابوجعفر نقل کرده است که: «دجال خروج خواهد کرد و عیسی از آسمان فرود خواهد آمد خداوند دجال را به دستان او خواهد کشت.» (همان، ج 46، ص 328، ح 24؛ مشکاة المصابیح، ح 6278) پیامبر خدا [ع] فرمود: «چگونه ممکن است مردمی که من ابتدای آن، مهدی در میان، و در انتهایش مسیح باشد از بین بروند؟» (دلائل الامامة، 234)

۳۶. ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه نقل کرده است که او از سعد بن عبدالله از احمد بن محمد بن عیسی از ابن ابی عمیر از عبدالله بن مسکان از شبیر الکناسی از ابو خالد کابلی که گفت: علی بن الحسین به من گفت که: من مولای تو را می‌بینم که از کوهی در نجف به سوی کوفه حرکت خواهد کرد در حالی که 300 و چند نفر او را همراهی می‌کنند. جبرئیل در سمت راست، میکائیل در سمت چپ، اسرافیل در پیش روی او هستند و او پرچمی از پیامبر در دست دارد که در حال اهتزاز است. آن‌ها شرق و غرب عالم را فتح خواهند کرد و همه چیز تحت کنترل آن‌ها خواهد

بود. قدرت هر کدام از این سربازان به اندازه چهل مرد قوی جنگی خواهد بود. قلب‌های آن‌ها به سختی آهن است که اگر در مسیر رسیدن به هدفشان کوهی از آهن باشد با نیروی درونی خود بر آن غلبه خواهند کرد و به هدفشان می‌رسند. آن‌ها به تلاش خود ادامه می‌دهند تا رضایت خداوند به دست بیاید. (بحارالانوار، ج 52، ص 327)

۳۷. جنگ ما علیه بشر (گوشت و خون) نیست؛ بلکه علیه حکام و قدرت‌ها و نیروهای تاریک جهانی و نیروهای شیطانی فراماده در آسمان‌هاست. (افسیسان، 6:12)

۳۸. انجیل یوحنا، 12:31.

۳۹. همان، 19:19.

۴۰. انجیل متی، 25:31 و آیات بعد.

۴۱. انجیل یوحنا، 1:18.

42. Chadwick, Henry, *The Early Church*, (London: Penguin, 1967, 1984 edition), pp. 37-38.

43. Kelly.

44. Kelly, J. N. D., *Early Christian Doctrines*, (Harper & Row, 2nd Edition, 1960), p. 141.

۴۵. 26:1.

46. Irenæus, *Against Heresies*, (Wheaton: Christian Classics Ethereal Library, 2000, ANF01CD-ROM).

۴۷. انجیل یوحنا، 4:1-3.

۴۸. انجیل متی، 24:24.

۴۹. همان، 24:10.

۵۰. همان، 7:22-23.

۵۱. مقایسه شود با 13:41.

۵۲. انجیل یوحنا، 17:12.

۵۳. انجیل متی، 23:28.

۵۴. همان، 24:11-12.

۵۵. آیه 7: چون معمای بی‌قانونی و آشوب موجود است...

۵۶. آیه 7: تنها اوست که اکنون جلوگیری می‌کند که این کار انجام گیرد تا وقتی که او از بین ما گرفته شود.

۵۷. آیه 6: و شما می‌دانید که چه کسی از او جلوگیری می‌کند. پس او در زمان خودش ظهور خواهد کرد.

۵۸. همان، 24:13.

۵۹. مقایسه شود با انجیل لوقا، 2:1.

۶۰. مقایسه شود با 16:26.

۶۱. آیه 19

۶۲. آیه 29 - 30

۶۳. انجیل متی، 7:15.



- 
64. Hoyt, Herman A., 'Dispensational Premillennialism', in Clouse, Robert G., The Meaning of the Millennium, (Downers Grove: IVP, 1977), p. 83. Sizer, Stephen, Christian Zionism: Road Map to Armageddon (Leicester: IVP, 2004):

بعد از ذکر چند نویسنده آقای سیزار می‌گوید: «بسیاری از مسیحیان و یهودیان اعتقاد دارند که گنبد و صخره متعلق به مسلمانان باید خراب شود و معبد یهودیان ساخته شود.» (ص 173)

۶۵. انجیل خرقیا، 47:1.

۶۶. انجیل یوحنا، 39-37:7.

۶۷. همان، 14:1.

۶۸. انجیل خرقیا، 1:47.

۶۹. انجیل یوحنا، 19:30؛ عبرانیان، 27:7.

70. sizer, Stephen, The Rebuilding of the Temple in Christian Zionism, <http://www.christchurch-virginiawater.co.uk/articles/temple.htm#FOOTNOTE> Sizer quotes Dispensationalists such as John Walvoord and Hal Lindsey who explicitly assert this.

۷۱. آیه 32.

۷۲. آیه 8.

۷۳. انجیل متی، 26:52.

۷۴. افسیتیان، 12:6.

۷۵. تسالونیکیان، 10-6:1.